

شرح و کتب

مغیره دیگر از علم در راه و رجال و انساب شرح و فاش حضرت عبدا العظیم را با این پنج ذکر فرموده اند که
 احمد بن محمد بن خالدی گفت حضرت عبدا العظیم فرار کرد از سلطان جاش زمان و در شهر کوفه وارد شد
 و در راه کوفه زینبین بود و دست مخفی کرد بدرخانه مردی از شیعیان در کوفه کمر و فاسکه الموالی
 بوده منزل گرفت و کوفه الموالی نامیدند آن کوفه برای آنکه حضرت شبعه که دوست داران اهل
 بودند آن منزل و ماوی داشتند و در کوفه ها دیگر حضرت حنفیه و شافعیه خانه های عالی بنا
 نموده بودند و حضرت عبدا العظیم در همان سرداب روزها روزه میکرد و شبها بعبادت پروردگار مشغول
 بود و وقتی که از محل شریف خود حرکت میکرد و بیرون می آمد از آن سرداب بطریق مخفی و پنهان زیارت
 قبریکه اکنون مقابل قبر او است قبلاً مرد شریفان بزرگوار است هر چند و میفرمود این قبر مردی از اولاد
 حضرت است و دیگر در این حدیث مذکور نیست که اجناب فرموده باشد که این قبر حمزه بن موسی است پس این
 از شیعیان و دوستی که در آن محل بودند خبر وجود قبر شریفان منتشر کردند تا آنکه اکثری آن بزرگواران شنیدند
 و خدمتش شرفیاب میشدند و اخذین و مسائل و احکام میپویند پس مردی از شیعه خواب حضرت را
 از زیارت کرد که فرمود یکی از اولاد من از سکه الموالی حمل و نقل میشود و در نزد یکی درخت سپوی که در
 خانه عبد الجبار بن عبد الوهاب است من خواهد شد پس بدست شریف خود اشاره به تمام مکان نمود نگاه
 از خواب برخاسته و رفت نزد صاحب باغ و درخت آن مکان را بخدمت سوال نمود از برای چه
 چیزی این باغ را پس خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت که من میبایست و همین خواب را دیده ام پس صاحب باغ
 آن را وقت بر حضرت عبدا العظیم و تمام شیعه نمود که در آن مدفون شوند پس حضرت عبدا العظیم مریدین
 و از پیار علی فرمود چون آن بزرگوار را برهنه کردند که غسل دهند و گریبان اجناب فدیه یافتند که
 ذکر نسبت خود را فرموده بود باینگونه انا عبدا العظیم بن عبدا لله بن علی بن حسن بن حسین بن علی بن ابی طالب
 و در کتاب نهضت علامه اعلی الله مقامه است ما عبدا العظیم البری و غیره هناك یعنی حضرت عبدا العظیم مردی
 و قبری دردی است در کتاب سطور منجبه که مجموعی از مرثی و خطب است و مؤلف آن مرحوم شیخ فخر
 الدین طریقی مخفی علیه الرحمه است مذکور است قبل از من من ابی طالبین جبا عبدا العظیم الحسنه الرقی و علی
 عبدا لله الحسنه الرقی بیضا السلام بعد الا قتل فیها طالبی او شیعه الی اخره یعنی از اولاد ابی طالب
 کسیکه در زندان مدفون شد حضرت عبدا العظیم حتی است محمد بن عبدا لله و ملاد از طالبین اولاد
 ابوطالبند که پدر حضرت امیر مؤمنان باشد و الا طالبین را نسبت ابی طالب برادران بزرگوار دهند و جمع
 چنانکه خواجده فرموده است در وصف حضرت امیر علیه السلام لقبی طالبها نامراد ابوطالب است
 لخصا و انصا حضرت اهل فضل و لسان حدیث و کلام ابی داود محمد بن عبدا لله بن حسن غیر از صاحب
 مشرفی است که نزد یک مدینه شهید شد که برادرش قبل با خبری است مخفی مانند آنچه در کتب رجال

این حدیث را در کتاب نهضت علامه اعلی الله مقامه است
 و در کتاب سطور منجبه که مجموعی از مرثی و خطب است
 مؤلف آن مرحوم شیخ فخر الدین طریقی مخفی علیه الرحمه است
 مذکور است قبل از من من ابی طالبین جبا عبدا العظیم الحسنه الرقی و علی
 عبدا لله الحسنه الرقی بیضا السلام بعد الا قتل فیها طالبی او شیعه الی اخره
 یعنی از اولاد ابی طالب کسیکه در زندان مدفون شد حضرت عبدا العظیم حتی است
 محمد بن عبدا لله و ملاد از طالبین اولاد ابوطالبند که پدر حضرت امیر مؤمنان
 باشد و الا طالبین را نسبت ابی طالب برادران بزرگوار دهند و جمع چنانکه
 خواجده فرموده است در وصف حضرت امیر علیه السلام لقبی طالبها نامراد ابوطالب
 است لخصا و انصا حضرت اهل فضل و لسان حدیث و کلام ابی داود محمد بن عبدا لله
 بن حسن غیر از صاحب مشرفی است که نزد یک مدینه شهید شد که برادرش قبل با
 خبری است مخفی مانند آنچه در کتب رجال

در وفات حضرت عبد العظیم

۴۰۶

منازعه و اعوام منواله می آردند تا حاجات محتاجین بر حسب ندرها بیکه می نمایند بر آورده نشود و غایب
 و نفوس کافه خواص و عوام بمقتضای نذری که بر منبره کردند و حاجات ایشان روا شد برای جلبتفع
 خودشان باز در حوائج و امور دیگر تکرار و تجدید می نمایند و این بقعه سلسله عظمی و عیبه عالیه کبری حضرت عبد
 العظیم همین طور است اگر خواهی طبقات ابناء هر زمان تا از زمان شهادت حضرت العظیم از خواستری حاجات
 و اجابت دعوات و اهداء تحف و نذورات و بذل موقوفات ذکر نمایند البته از مراد خارج می شود بل جلتی اراد
 در اخر این کتاب برای اطلاع و تشویق بعضی مشروح خواهد شد و بدان نیز نیکه که ابو الحسن علی بن ابی طالب مشهور
 بسعود که در سنه سیصد سی معاصر خلفاء بنی عباس بوده است در کتاب مروج الذهب و عقد الجواهر
 خلفاء بنی عباس را نوشته است بعد از امون ملعون معصم بالله و بعد از وی معز بالله را ذکر کرده تا خلفه معز
 زمانش مطیع بالله را بیان نموده است چون ابدال زمان حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام
 حضرت عبد العظیم هم معلوم می شود که آن بزرگوار با این هفت نفر خلفاء جائزین معاصر کریدند اگر چه معتز امام
 خلافتش اندک بود در زمان وی در وفات بافت با کشته شد و داعی بدیده ام سلطان جائری که در حدیث است
 حضرت عبد العظیم را وی هجرت کرد و فرار نمود معتز بالله است بدان که معتز موسوم بزیر بود و بر منوکل است
 مادرش موسوم ببنجه شازده ساله بود که بر روی خلافت نشست و چهار سال و شش ماه بعد از منعی بالله خلافت
 نمود و مدتی هم خود را از خلافت خلع کرد تا قیامتی که مسعودی نقل کرده است بیست و چهار ساله بوده است و در
 ستمین ای مدفون شد بکامه قبل از تولد حضرت حجه الله امام عصر یعنی در ماه رجب و بیست و پنجاه و پنج و منوکل
 در زمان حضرت امام علی النقی بعد از واصل شد و خلافتش این سیزده اندکی نداشت پس بنا بر اخبار یکصد
 عبد العظیم از این سیزده بزرگوار روایت کرده است و خدمت ایشان عرضه نکار شده است و جواب مسائل وی را
 نوشته اند و بنا بر خبر ابی حماد رازی معلوم می شود حضرت عبد العظیم زمان حضرت امام علی النقی در مدینه
 داشتند تا زمان معتز بالله چنانکه مرحوم شیخ فخر الدین طریقی ذکر فرموده است و قائل حضرت هادی معتز بالله است
 آن بزرگوار هم قبل از شهادت شایسته است و وفات یافت بنا بر این چندان توفیق حضرت عبد العظیم در طول آنکشد
 که از چهار حلت فرمود و حدیثی که در زیارت حضرت عبد العظیم مرویست از امام علی النقی است و من مطابق
 با مضمون است آن آنکه آن بزرگوار در ستمین ای بودند که حضرت عبد العظیم رحلت نمودند و این حدیث بعد از
 وفات ذکر شد خلاصه از این احوال اینست که حضرت عبد العظیم حصر بر او بی در زمان معتز بالله بری آمد
 یعنی در وقتی که حضرت عبد العظیم هنوز شهید نشده بودند و در زمان آن بزرگوار هم وفات یافتند که فرمودند
 زیارت نماید حضرت عبد العظیم در هر یک از این سال وفات حضرت عبد العظیم او اربع و بیست و پنجاه چند سال
 قبل از شهادت حضرت امام النقی باشد و شهادت این کتاب هم در سال دویست و پنجاه و چهار روایت
 کافی بود و در معتز بالله هم بکمال بعد از شهادت این کتاب بود که دویست و پنجاه و پنج می شود از آنجا بگذرد

بالتی عجبی

معلوم است که مفاصل ایشان بوده است

صریحا

روح و بحران

۴۰۳

در این کتاب از حضرت عبد العظیم
در بیان فضیلت و مناقب ایشان
و شرح و تفسیر روایات
مشرف و مطهر است
از انبیا و ائمه
و اولاد علیهم السلام

صریحاً داعی در سنه وفات حضرت عبد العظیم ندیده بود لهذا از فرایند و نظایر اخبار بدینگونه استنباط نمود
والله العالم بحقائق الاحوال و الیه المبدئ و المآل خلاصه هر چه مؤمنی و زائر شهنش باشد و مانند بلکه بطریق
قطعی عتقاد کند و از طریق یقین بداند و بگوید این محل شریف قبر مطهر حضرت عبد العظیم است از آنکه انقاف
تمام علماء سابقین و لاحقین است اما سائرین از امام زادها مقابر ایشان را نتوان بطریق قطع یقین نموده
کدام مورد و محل است حتی حضرت ما مراده حمزه بنحویکه مذکور میشود حال که دانستی محققاً و قطعاً بجز
ان بزرگوار است رجوع کن در این کتاب با قوال علماء متقدمین و متأخرین که داعی جمع نموده است که در حق
حضرت عبد العظیم چه فرموده اند و ملاحظه نماید اخبار بکرامت دین و از فضایل و فواید اجتناب کرده اند
و بعنوان احادیثی که آمده است بدین واسطه شنیده اند و در این کتاب ترجمه کرده ام ان وقت و فرموده اند
دک زیاد خواهد شد با محبت نام و معرفت کامله اما با حالت خوش و خضوع و خشوع بجز مبارکش که حاکم
شک مطالب ماری ثویان حالت بر آورده میشود پس عجب آدم از کسانا دانست که قطع بعضی نسبت به این بزرگوار
دارند معذرتاً بوضع شکو که اقدام و باال میباید خوش گذشت مرثیاً چون در کار پیش آید کردنی کلام
باید کرد آنکه در مظنه خطرات بر خود از احرام باید کرد آنکه بخوف و بی خطر باشد بهمان تمام باید کرد
مانند کسانیکه از حکایت فرانس عدول میکنند و بنیسا بهائیان مانند داعی اند و ندانند بجهت این فرموده اند
انزل علیک الکتاب من آیات حکمت من ام الکتاب اخرون مشایبان فالذین فی قلوبهم ذیغ فلیستوا ما نشاءه
ابتغاء الفتنه حال حکایت اهل تبرکات بواسطه بعضی از جنالات فاسده از آیات محکم الهیه رجوع و عدول
می نمایند و آنچه مشابه و موافق است میخواهند بلی داعی را جرات این نیست که احدی را از زیارت اما مرادها این
منع و نهی نماید بتمام دونین در حد و طهران لکن عرض داعی دانستند عای من انفسنا فی طعی و یقین است و منقول از
عالمی از شیخ حضرت عبد العظیم است پس زیارت این بزرگوار اقوی و افضل و اجلی است چون این وقت بنظر
گنشت خاطر امدم نظری برای اثبات مطلب عرض کنم این او کائنات سرکار حججه الاسلام شمس فلك سبادت و الفقاه
آقای حاج میرزا محمد حسن شیرازی متع الله المسلین بوجوده و لقاؤه و بقائه داعی مسائل سوال نموده از آنجمله این
جائز است یا نماز قضا که بریده مکلف است نماز زیارت و مستحبی بخواند جواب فرمودند بخط شریف خودشان
که موجودند داعی است اگر اتمام دادا قضا دارند مضایقه نیست اقدام در نمازهای مستحبی میخواهم عرض کنم زیارت
حضرت عبد العظیم بمشایبه نماز واجب فوت شده است زیارت سائرین بمنزله صلوات مستحبی است پس خوب است

این دو شعر را برای آن قبر مطهر بنویسم فی اذاهل الوفور بعبه رحلوا و حطت عنهم الاثام من زاده فی الله عار
حقه فالمنه علی الجحیم حرام **روح و بحران** در ثواب زیارت حضرت عبد العظیم
و شرح و حدیث در زیارتان بزرگوار حدیث اول روحی الصدق خطاب است و فی ثواب الاعمال مسدداً
حدیثی علی بن احمد قال حدثنا حمزة بن القاسم العلوی بحمد الله علیه قال حدثنا محمد بن یحیی العطار عن رجل علی

در این کتاب از حضرت عبد العظیم
در بیان فضیلت و مناقب ایشان
و شرح و تفسیر روایات
مشرف و مطهر است
از انبیا و ائمه
و اولاد علیهم السلام

در ثواب زیارت حضرت عابد العظیم

۴۰۴

ابو الحسن علی بن محمد الهادی من اهل الرقی قال دخلت علی ابی الحسن العسکری فقال ابن کت فلت نذرتنا الحسنین
 فقال اما انت لوزیرت فیر عبد العظیم عندک لکن ذار قبر الحسنین علیہما السلام یعنی ابو جعفر محمد بن علی
 بابویه معروف بصدیق در کتاب ثواب الاعمال مسند او را اینگونه کرده است که مرا علی بن احمد خبر داد که او گفت حمزه
 بن قاسم علوی خبر داد که او گفت محمد بن یحیی عطار خبر داد که سبک بر حضرت شامام علی التقرنی وارد شد از اهل
 بصره آن شخص گفت وارد شدم بر این جناب فرمودند که بجا بودی عرض کردم زیارت جناب سید الشهداء شریف
 فرمود اما تو اگر زیارت سبک می کنی بر حضرت عابد العظیم را که در نزد شماست هرگز نبوده مثل کسی که زیارت کرده
 است بر حسین را بدان طریق روایت صدوق علیه الرحمه از علی بن احمد بن موسی است که او را دقاق می نامند
 مرحوم میرزا اسرار باری در رجال و سبک فرموده است که آن علی بن احمد در شب او در حدیث عرض کرد بر حضرت عابد
 بنی بر دقاق و در فرمود و این علی بن احمد غیر از علی بن احمد خوار است که نزد سمری مکتبی به ابو الحسن و متکلم
 جلیل بود و علی بن احمد دقاق از محدثین است که معروف و مشهور بود روایت می نمود چنانچه از سوق روایت عرض کرد
 معلوم شد و علی بن احمد طریقی روایت از حمزه بن قاسم علوی است حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبد الله
 عتباتی از ابی طالب کنیز اش ابوی و ثقف و جلیل القدر است مگر آنکه شهید ثانی او را از اولاد عباس بن علی بن
 ابیطالب دانسته است و این طاووس علیه الرحمه از نجاشی هینطور ذکر فرمود و حمزه بن قاسم را کتاب توحید و کتاب
 و مناسک و کتاب تدریس محمد بن جعفر است کتابی مجموعی از اخبار و روایات جعفر بن محمد بن علی بن حسین است
 و طریقی روایت حمزه بن قاسم علوی از محمد بن یحیی عطار است و در کتب رجال مسطور است محمد بن یحیی ابو جعفر
 عطار فی شیخ اصحاب ما است ثقة و کثیر الحدیث است نجاشی هم فرموده است علاوه از آنچه ذکر شد کتابی در مقتل
 حسین بن علی است و کتاب نوادر نوشته است و کثیر از وی حدیث بسیار نقل کرده است معلوم است که متوفی
 و عادل و ضابط و در او پرا حار است بوده است نیز از بعضی رجال و رواه حدیث فضل زیارت حضرت عابد العظیم
 باید بجملا معنی زیارت را دانست که زیارت چه معنی دارد در کتاب ترمذی ما الجنبه من حدیثه الحسنیه داعی عام
 معنی زیارت را بر حسب فهم مقلد در خوش شرح داده است هر آنکس بخواند بخواند بیفایده نخواهد بود و اولاد آن
 مرحوم شیخ جعفر نور الله مضجعه فرمودند زیارت حضور است و سلام معروف است مرحوم شیخ محمد حسن طایفه
 فرمودند زیارت حضور است و السلام و در کتاب مجمع البحرین در لغت زور نوشته است از زیارت المرفعه عند
 المردا که مال و عظام و استیناسایه معنی فارسی زیارت است بدان کردن است چنانچه در حدیث است و الخ
 بقوله یدن کیندر ادرها خود دان را و آنچه در عرف مشهور است شخصی را از ضد میکند شخص مزور را که برادر
 مؤمن است برای تکریم و تعظیم و برای انز کردن با او و زیارت کردن هم بر مرده و هم بر زنده است تمام میشود اما
 بیت مثل قوله عالی المکر الکافر یعنی زدمم للفاقر اما بر زنده در حدیث است غبوا فی زیارت اللعین و فی زیارة
 القبور و عبادت هم یعنی زیارت آمده است و آنچه مصطلح است در افواه اخصاصی ید بدن مرتضی دارد

این حدیث در کتاب
 توحید و کتاب
 مناسک و کتاب
 تدریس محمد بن
 جعفر است

الرحیم

روح و ریحان

۴۰۵

اگر چه در حدیث سابقه مذکور در باره آنست که در میان حاضرین مدفن نیز مدفونان
 و بدین کوه از وی جهت بارش کردن مراد و بغیر متوفی و اهل ولا شایسته برای تکمیل این ملک است که در
 دنیا این ابدان و ممالک بوده اند و فیضها لا یشاء فی ایشان رسیده پس از مبداء فیض انقطاع فی ممالک
 ایشان نشده است بلکه بیشتر و زیاده در عالم ریح بحد و اندازه و احتیاج اجسام بر خیزد افاضه الهیه بر
 ایشان در فورشان میشود و هر گاه باشد که کمال توجه صریح و مدفن خودشان دارند و سلب توجه
 و علاقه از آن محل و مورد نیماهند پس هر گاه که نزد یک قبر میزدش که محترم است اما حاجت و عطیه خوانند
 آنکه آن قبر مصلحتی است محل نزول فیضها الهی که بدین اثر هم بهره میدهند پس آن توجه خصوصاً از هر
 از خداوند من برای ناپرخود فیضی و مدد میجوید و دعا میگویم بعد از جانب مغرب و من میگردد دعا
 تسبیح و تسبیح بیشتر است و ربط معنوی با دشمنی نیست و سخت صوره و معنی بیشتر دارد فیض بیشتر
 میرسد محل شریف عامی برای شوی زارین فوراً نام و اولاد تمام ایشان از این جهت
 که در کتاب مال ابن الشیخ دیده ام بعد از فهم خود شرح میدهم و آن بهر جهتی یاد ندارم و بخوانده ام و سند
 این حدیث منتهی میشود بلی عامر بنانی و اعظا اهل حجاز که گفتند حضرت صادق شریف السلام علیه
 کردم با این رسول الله مالن زار فوراً امیر المؤمنین و عمر بنی ثواب کسیکه قبر حضرت امیر را زیارت
 کرده و آباد و تعمیر نمود بیشتر را چیست فرمودند ای ای عامر پدرم از پدرش از جدش جناب امام حسین
 از رسول خدا روایت کرده که فرمودند حضرت امیر مؤمنان او در زمین عمراف کشید و پیشو و در عراق مدتی
 میگردد پس آن بزرگوار عرض کرد مالن زار فوراً و عمرها و نماهد ما یعنی ثواب آنکه فوراً ما را زیارت
 کند آباد نماید و عهد کند بر بارش و تعمیر آن چیست فرمود یا با الحسن ان الله جعل قبرک و قبر ولدک
 بقاعاً من بقیع الجنة و عرسه من عرصاتنا و ان الله جعل قلوب العجمان خلفه و صفوه من عباده و نحن الیکم
 و تحمّل الذل و الاذی فیکم و یقرن فوراً که و بکشون زبارنها غیر نامهم الی الله و مودتهم لرسوله با علی
 عمر فوراً که و نماهد ما فکان کن اعلی سلیمان بن داود علی بنیاء پیش از آنکه من زار فوراً که عدل ذلك لثواب
 شعبین حجه بعد حجه الاسلام و خرج من نوبه حتی رجوع من بلونکم کیوم ولدته یعنی ای ابی الحسن خدایتان و المن نور
 داد فرمود و اولادش بقیعهای از بقیعهای هشت عرصه از عرصه ان و در دارد دلها بیچسب از بندگانش
 و بر یکدیگر از ایشانرا ناله کنند بسو شام و محل از آنها و ذلتها شوند در راه شوند و تعمیر نمایند قبرهای شما را و بسا
 بیایند زار فوراً شما بجهت تقرب ایشان بسو خدا و مدد میگویم که باین غیر خودشان دارند و چنانست حال اینطایفه
 با علی که تعمیر این را نماند چنانست که طاعت سلیمان بن داود بر بنیاء پیش از آنکه کرده است و کسیکه زیارت کند
 قبرهای شما را هر هفتاد حج غیر از حجه سلام کرده است از کاهان بیرون آمده است آنکه از زیارت حضرت
 نماید مثل روزیکه از مادر منولد شده بعد از آن فرمودند ایسر و ایسر اولیایک و مجتهد من النعم و قرأ العین

در زیارت امام حسین
 که شوی زارین فوراً
 و اعظا اهل حجاز است

شرح زیارت حضرت عبدالعظیم

بلا عین رات ولا اذن سمعت ولا علی خطر علی قلب بشر یعنی شبارت بدو مسائت را و خود خوش رفت
 باش نیم دور و شنائ چشم بچیز بک چشم ندیده و کوشی نشینده و بر قلب بشری خطور نکرده و لکن بعضی
 مردمان ملامت نمایند ز امرین از فور شمار اچنانکه زانبره را بز ملامت بکتند این مردمان بدترین اعیان
 من اند شفاعت من ایشان نرسد و وارد نمیشوند بجز من مخفی نمایند و لا زیارت عموم مؤمنین کافه بختین
 امیر المؤمنین عجا و مپا مستحب است خداوند بفرماید بزیر مسلمان که برادر مسلمان خود را زیارت
 نکرده بلکه مر از زیارت کرده و ثواب زیارت نوبه شست است بس و در حدیث است که امام فرمود اگر مکن شیارا
 باینکه زیارت ماها آتید صالحین از دستاوش شعبا ما را زیارت کنند چنانست که ما را زیارت کرده اید و
 معلوم است زیارت نکردن ذریه حضرت خنمی آیت سجا اصحاب و اصحاب و انقیاء و علماء ایشان اکثر ثوابا و افر
 اجزا میباشد چنانکه در کتاب امام و شمره که از وال الصدوق علیه الرحمه است همین حدیث منقولست و کوبا
 در کتاب فریبا لاسناد هم این حدیث مذکور باشد که محمد بن محمد بن اشعث از موسی بن اسمعبل بن جعفر بن موسی
 جعفر نقل کرده است که حضرت رسول فرمودند عباد بنی هاشم فریضه زیارت هم شتر یعنی عبادت کردن بنی
 هاشم واجب است زیارت در زمان سنت است و این حدیث در کتاب بحار الانوار نیز مذکور است در
 باب مدح ذریه طایفه و بعضی کتب عامه منقولست که عمر بن الخطاب بنی بن عوام گفت عوام بیارو
 بصلوات حسن بن علی و زبیر کراهتی داشت عمر گفت اما علت عباد بنی هاشم فریضه زیارت هم ناظر بود
 از ناظر زیارت جبر و ثواب است در کتاب سطر ابی ابراهیم اللصطغی اشعنه المرتضی ایضا در باب ثواب زیارت
 حضرت زینب و ابی انصاری حضرت صادق از جابر بن عبدالله بن انصاری ذکر نموده است که حضرت رسول فرمودند
 خداوند منان طایفه از ملائکه را مویکل کرده است فاطمه زهرا که او را حفظ نمایند از زمین و آسمان و جبر
 و عفت بر سر ملائکه است و جبره با وی بودند نزد قبر او هم مستجاب است و پدرش شوهرش و اولادش
 هم مستجاب است هر که مر از زیارت کند بعد از وفات چنانست که رجاء مر از زیارت کرده است هر کس فاطمه را زیارت
 کند مر از زیارت کرده است هر کس علی بن ابی طالب را زیارت کند کوبا فاطمه را زیارت کرده است هر کس
 حسن و حسین را زیارت کوبا علی بن ابی طالب را زیارت کرده است هر کس زینب را زیارت کند
 کوبا ایشان را زیارت کرده است حدیث مبسوط است محل حاجت آنرا ذکر نمودم و از این احادیث شریفه
 مستفاد میشود که عبادت و زیارت بنی هاشم و ذریه رسول عبادت مفروضه سنت مؤکده است عملاً
 که زیارت ایشان مساوی زیارت حدیث است در ثواب و اجر بسیار مساوی است و در کتاب ثواب الاعمال
 است که حضرت رسول فرمودند من زیارتنا و زیارت احد ما من ذریه من ذریه یوم القیمه فانفذت من صواب
 یعنی ستمانیان فرمودند هر کس را یکی از ذریه مر از زیارت کند من روز قیامت او را زیارت میکنم و او را
 از آتش جحیم مبرم و فریب این حدیث در جامع الاحبار است باین عبارت من زیارت احد من اولاد من

در کتاب بحار الانوار
 در کتاب سطر ابی ابراهیم
 در کتاب ثواب الاعمال
 در کتاب جامع الاحبار

روح و کیمیا

۴۰۷

وینا
بسیار نقل شده است
که در کتب کیمیایی
فایده بسیار دارد

بجزه و بیدانها فکانمازارن و من زارنی غفر له البینه یعنی هر کس زیارت کند یکی از اولاد مراد در جنگ
و بعد از نماز چنانست که مرز زیارت کرده و هر کس مرز زیارت کرده است البینه خداوند او را می آرد
غاکفعی غراکظم من لم یفیدان بزودنا فلیر صالحی اخوانه بکتاب له ثواب زیارتنا و من لم یفیدان بصلنا
فلیصل صالحی اخوانه و بکتاب له ثواب صلنا الا اخره و در کتاب هزار از کتاب هدایة الائمة که از مرحوم شیخ
علیه الرحمه است مذکور است قال البقی با علی از الله جعل قبرک و قبر اولادک بقعة من بقیع الجنة و عرشه
عرشاتها یعنی حضرت رسول فرمودند با علی خداوند قبر تو را و قبر فرزندان تو را بقعه از بقیع بهشت
عرشه از عرشات آن فرار داده است یعنی بقعه بقعة من بقیع الجنة در حدیثی که لایق باشد مقام ایشان
و مرادشان در بهشت میباشد یعنی تمام قبور ایشان بقطعه یک عرصه یک بقعه میشود و فرمایند
جناتشان در وقتان اعیان در عهد ابی محمد عبدالله بن احمد بن طباطبائی عجازی الاصل مصری الدار
الوفاء ذکر کرده است که در سال دو بیت هشتاد و شش بوده است تا شش در چهارم از ماه رجب الحرام
در سنه سیصد و چهل و هشت در راه مصر در مصطفی علیه السلام نماز کردند و خلقی که عدل ایشان از اهل
بیت بیع جنازه اش حاضر شدند و در راه مصر مدفون شد بفرموده ایشان دعوت و در آن شب است
مردی زیارتیج رفیع از وی فوت شد بسیار اولاد کرد و سپه اش تنگ شد در خواب حضرت رسول را دید
فرمود حال که زیارت از تو فوت شد پس زیارت کن بر عبدالله بن احمد بن طباطبارا و بپندار خواب از اهل مصر
و معرفت من با لای فرار رفت در خواب زیارتی دید بود شکایت کرد و این بیت گفت و خلق الهی
علی امام و قد کانوا بیک کفایت در خواب او را دید که فرمود آنچه گفتی شنیدم اما چه چاره باید کرد
که ما دون در جواب نبودم اما در مسجد و در رکعت نماز کن بر عبدالله بن احمد بن طباطبارا و بپندار
کرد و بر او در سپید پس این مقدمات و مقالات و احادیث صحیح الاسناد برای آن بود در این حدیث
شریف که فضل زیارت حضرت عبدالعظیم مذکور شد استبعانمانی که چگونه میشود زیارت آن بزرگوار
مثل زیارت جنت الانبیا را شنیدم بلکه با بصیرت و هوش است و این اخبار را اطهار دارد و از مقامان
ذخیره و ذاری عزیزه زکیه قابل اطراعی دارد البینه استبعانمانی استبعانمانی در این مطلب
بسیار مضمون که جبهه مثبت زیارت حضرت عبدالعظیم است زیارت جناب خاتمه الالبینه و البینه
خاص است خواننده را التفاتی لازم است شنوند را توجه مخصوص بخوانند آن بر این طریق است که خوبین
مشبه به اقوی از مشبه است مثلاً حضرت بنوی فرمودند سلمان فارسی عالم علوم اولین و آخرین است مثل
لغان حکیم و همچنین فرمودند با در دزد همد مثل عیسی میم است همچنین فرمودند کسیکه سید الشهدا
را زیارت کند در کربلا چنانست خداوند او را در عرش زیارت کرده است پس مشبه در حدیث اخیر خداوند
سجنان است در حدیث اول و دوم حضرت علیه و حضرت لغان حکیم مشبه بر اهل حال وجه شریف زیارت

در کتب کیمیایی
فایده بسیار دارد

فرمود

در ثواب زیارت حضرت عظیم

۴۰۱

و زهد و علم است نه جهات و حیثیات دیگر و در حدیث صحیح است کسیکه سه مرتبه صلی الله علیه و آله را در ایام عاشورا گوید مثل کسی است که در رکابان بزرگوار شهید شده است ثواب شهادت شهدا را بوی میدهد و این حدیث با ائمان و صحیح سندش چه بسیار است و جواب گفته اند هر کس عمل نویسد و در وقت صراحت در ثواب ایشان شریک است چنانکه جابر بن عبد الله انصاری در روز اربعین خطاب بقیع مطهره شهادت کرد و عرض نمود که ما در ثواب شهادت با شما شریکیم ای کون در این حدیث مشبهه زیارت جناب امام حسین است و مشبهه زیارت حضرت عظیم است و اقوی زیارتان بزرگوار است که مشبهه است از آنکه هیچ یک از ائمه درین ثواب زیارت مغایرتان بغداد ثواب زیارتان بزرگوار نیست پس زیارتان شهید سعید اقوی از تمام زیارتان قبولهاست و از هر زیارتی بزرگتر و بهتر و بالاتر است و ثواب آن بیشتر و مشوبانی که زیارت جناب سید مظلوماست بحسب استعدا و قابلیت نام مختلف میشوند و آن منفرج است کمال و تمام ایمان و عرفان و یقین چنانکه بکفر فرمودند زیارت سید الشهداء ثواب هیچ دارد و بیکری فرمودند ثواب صلح دارد و بیکری فرمودند ثواب ضارب دارد و بیکری فرمودند هر کس ثواب صلح مقبول و بیکری میرود از پس استعدا فایده اش بیشتر و ضعف ایمان بسیار است چنانکه اوقات شریف هم مدخلت در او چنانکه حدیث من زار الحسین کن زارا و غیره را با ملاحظه ادب شرایط خواسته اند و ملاحظه کرده اند چنانکه بکفر با وعده شفاعت در عوض زیارت داده اند و بیکری با طول عمر و بیکری با نوبت در زندقه و بیکری با حفظ از حرف و غرق و بیکری با نوبت در بیکری با مصافحه با رسول الله و حضرت شاه و پادشاه و بیکری با مغفرت و نوبت با ضربه آتش و امثال حال آنکه ثواب صلح در زیارت او است البتة زیارت آنکه بر حسب کمال دین و ایمانش ثواب هزار حج در دیوان عمل او است نیز زیارت است پس هر کس زیارت جناب سید الشهداء در وقت خدا از زیارت کرده است صد زیارت کردن بشود میکند و هر کس در هر درجه از ایمانست جناب سید الشهداء از زیارت کرده نیز او را از اثر میماند و هر کس زیارت حضرت عظیم مشرف شد عم این نیز بزرگوار از زیارت نموده و حدیث من زار الحسین در حق و صانداست ایمان از زیارت بزرگوار ثواب زیارت کامله در در کار با یکصد هزار حج مقبول و سعی میرود با سید جناب از برای ایمان مانند زبان مراد است از برای ثوابت زیارت شکر الهی است اما از عنوان زیارت خلیج نیست چنانکه ائمه درین بر حسب ایات کرمه مؤمنین بوده اند و تابعین از کلین هم مؤمنین بوده اند و احاد و افراد از ائمه رجوع از ایمانند حال مرثیه ایمان سلمان مثل مرثیه دیگر است عاशा و کلا پس خلاصه از این مقالات آنست ضروری ندارد هر کس حضرت عظیم را با امثال او را زیارت نماید جناب سید الشهداء در زیارت کرده باشد چنانکه فرمودند هر کس در زیارت ما زیارت ما از شیعیان ما را زیارت کنند پس زیارت صلح اشبعه زیارت ایشانست اما بطریق کمال و علم اول کلام است یعنی کسیکه بجز در لوحه از اشرف جزایطین میباشد و صد تا چند بخود داده میدهد و بئذ مال میکند بیکری با هر عنوان ایمان داشته دارد یا آنکه زیارت

در زیارت حضرت عظیم
 و در زیارت حضرت عظیم
 و در زیارت حضرت عظیم
 علیها السلام

از ائمه

شرح و تحجان

۹۰۹

حضرت عبدالعظیم از طهران می آید یکی است با سواد و مریه ایمان پس افضل الاعمال از ما چه معنی دارد این جزئی
 منافق با کرم خواستندی چه بیجا کسانیکه زیارت سید مظلومان میروند و هیچ قسم ثواب بهره برای زیارت ایشان
 نیست مع هذا از اینند چیزی ندارد ز امر حضرت عبدالعظیم از جناب سید الشهدا ارواحنا لاله الفداء باشد
 بگویند مذکور شد و اگر کسی گوید از این اخبار عموم فهمیده میشود و تخصیص برخلاف اصل و ثانویست هانا
 در جواب اخبار خاصه احادیث غصصه و تبر از آن طاهرین را بیان مینمایم و اگر بگویند واطلاقات اخبار از
 قدری امر مشکل و صعب میشود و آن حکایت فضل بذا الهی است غیر از نظر آیات و اخبار منقول از ائمه اطهار است
 حال اختصار من زیارت حضرت عبدالعظیم را از زمره امامزادگان غیر از ساوین بان بزرگوار چند وجه بنظر رسیده
 وجه اول متابعا از شد اجالا نشیب کردن زیارت حضرت عبدالعظیم را زیارت جناب سید الشهدا برای
 آنست که از هر زیارتی اصوبتر است و اگر ایجاب باشد اخباریکه در کثرت باجرو و ثواب زیارتشان بزرگوار رسیده
 برای هیچ سبب از آنکه زیارت آنست و اقوی از زیارتشان سید مظلوم شهید زیارت حضرت زین العابدین است و از این وجه
 فرموده است هر کس هر یک از اوصیا و خلفاء را زیارت کند هر اینه زیارت من آمده است پس شبیه سید این محل
 زیارت حضرت زین العابدین است و ثواب زیارتش و شایسته است زیارتش کردن هر یک از امامان زیارتش تمام
 پیغمبران است و در اخبار آمده است که زیارتش کردن زیارت ائمه را بیکدیگر بجهت اخلافت و خرافاتی که در عقاید
 و مذاهبا سلسله مردم بوده و اعتنا و اعتمادی چندین برابر آنکه علیهم السلام نداشتند و در زمان پیغمبر
 امیر و بنی عباس که غالباً دوشان ایشان در کمال خوف و نصیه بود عائد اخبار کثیره که در ثواب زیارتشان
 رسیده است تمام برای خواص از دوستان و متبعین از مومنان بیان شد اما اشاعه و ترویج آن اخبار بعد از
 خلافت پیغمبر شد پس فرمودند زیارت ما دوست ما میباشد برای تجدید عهد و لایث و محبت نماید از آنکه
 در روز نخست از ایشان ما خود شد حال کسی را که ممکن نیست زیارت ایشان در خویش زیارت صلوات
 از دوستان ایشان برود که تجدید عهد در خدمت صالحین از محبت هم تجدید عهد در خدمت ایشان است
 میکنند معنی صلاحیت انان ایمان و معنات دین و ذنات اسلام است آثار و ثواب سلام و ایمان ببعثت
 فرمایند حضرت خدیجه مابت و اوصیا مکرهتین از بزرگوار است پس هر آنکس اطاعت او را هر چه بود و ثواب
 شریعت را بنویسد یا ببنی مؤمن صالح است در حق و عبادت با بد و زیارت نمود و در حق هر چه حدیثی کرد
 اصول کافینت در باب کسانیکه از اهل سنت حق با کما هو حقه شناختند و کسانیکه انکار حق کردند
 بنظر دلی است در احوال علی بن عبد الله بن علی بن ابیطالب است که سلمان بن جعفر از وی میگوید که
 حضرت رضاه مشرف شود علی بن عبد الله گفت اجلال و عیبت از بزرگوار مانع است از زیارتش پس
 خدمتش تا آنکه حضرت رضاه بعله خفیه و بیلا شدند مردم بعبادتشان بزرگوار میفرستد سلمان بن جعفر
 بعلی بن عبد الله گفت حال وقت زیارتشان بزرگوار است پس بعبادت حضرت رضاه شرفیاب شد و

و بی حقیقت
 حضرت عبدالعظیم
 جایزه مبین است

زیارت حضرت زین العابدین
 و ثواب آنست تمام زیارت
 و زیارتش همه برای محبت

بیت شریف
 حضرت زین العابدین
 علیه السلام

کتاب از بارگاه حضرت عظیم

۱۴۱

و قبل از آنکه داشته باشند با امرات عدله رفتن باشند و بخدا عهد فدیله کرده باشند و فشان و فشان گفتند
 سایرین از ابناء معصومین مقدم است و ممکن است بگوئیم برای تشویق و تصویب اهل ذریه فرموده است که فدا
 بدانند زیارت حضرت عظیم را عظیم بشمارند و بدانند که زیارت کردن بزرگوار منافعی با زیارت سید
 الشهداء نیست بلکه زیارت با خلوص محرک است به حرکت غریب شهیدش و امام فرموده است که حضرت
 عظیم را زیارت نمایند دیگر زیارت سید الشهداء نباید بلکه امرین زیارت بزرگوار با ادب خودشان زیارت
 تمام است این خفیه از بدیهیات و اخبار است بلکه میتوان گفت غالب مقالات و بیانات شرع بواسطه سفلت
 محل و مقام مخصوص دارند تا آنکه خلط نشود و هر کس قدر خود را بداند و هر کس قدر بیگانه و فایده‌ی که
 دارد بتکلیف خود عمل نماید و نظر کردن به موثبات اجار بعضی از منج صواب و در اذلی مستحب بشود منوناً
 با اعمال واجبه نیست دارند مانند مکروهات اعمال محرمه و میدان اعمال مستحبه در نهایت و سعادت است
 یعنی بغداد و احصا از بیست و پنج است و در عدد مستحبات زیارت بود و نام است و در درجه اول
 و افضل و اشرف آنها زیارت جناب سید الشهداء میباشد بعد از زیارت بزرگوار و ائمه طاهرین
 زیارت که مخصوص است از این خانواده و اولاد و اولاد زیارت حضرت عظیم که مخصوص
 شد باینه و ثواب اجر بعد از زیارت جناب سید الشهداء و معصومین باشد مانند زید بام و
 و منبر که ده پله دارد که امام در تفسیر این بیان فرموده که سلمان فارسی در شب ایمان بدو سجده کرد
 و باندید در جبهه قدم اکنون عرض میکنم زیارت کردن ائمه طاهرین مکرمین در درجه اول است از اجر و ثواب
 و زیارت آن چند نفری که از امانت ارکان معصومین شده است و مردی از ایشانست و جبهه ثانی است در مرتبه
 سوم زیارت صلحاء و زیارت موفیان علماء و والدین و کافه از مؤمنین و اهل بیت پس مطلوب بزرگوار
 همان کسی است که زیارتش را خواسته است و امر فرموده است هر آنکس منظور و مطلوب امام است البته منظور
 حضرت نبوی است هر کس منظور اینجانب شد منظور خداست پس ناسر هر یکی از ایشان را از حضرت است و این
 شدند و سلسله متصل و مسلسل است بارگاه الوهیت و صاحب حضرت شایسته این مناط کلی میل و تمام امام تا
 که در اطاعت و انقیاد او امری آثار خیریه ظاهر و هویدا است اکنون بیان اعمال واجبه و مستحبه منقطع بر قصد
 و نیاید است و لکن امر انوی و الاعمال و ایات صدق است حال خوبست تا این بیان خودشان را توضیح نموده
 بر آنچه شرح دادیم تصدیق کنند بعد از آن حدیث میدهم چنانکه مدفن شریف و مضع مطهر حضرت عظیم
 علیه السلام و النکر در خطی مخطوط بیست در همین محل و مراد بیکه اکنون تا این مشرف بشود همین
 طریق و ابوق که مرحوم صدق و طاب ثراه در ثواب الاعمال مسند ذکر فرموده است نیز قطعی است و شبهه
 در آن دو اب غیر و در او این حدیث بخوبی بدو تفصیل داده ام از ثقات و معتمدین اند و اخبار
 و احادیث مره و محکم از مرحوم صدق و معنی است و شکر و شبهه در محله غالب احوال ایشان نیست

زیارت حضرت
 عظیم
 در این کتاب
 درج شده است
 و در این کتاب
 درج شده است

کتاب و کتابخانه

۴۱۳

سپتامون پان خارجه و نصیح و تصدیق علماء سابقین هم باشد چنانکه شهید ثانی علیه الرحمه فرموده است
و حدیث پاره مرع اسناده عن الصدوق طاب ثراه فی ثواب الاعمال مشهور و مرحوم میرزا محمد علی علیه الرحمه در
رساله مختصر جالبه اش که موسوس بر و اشع است فرموده است فی فضل زیارت روایات متضافره و قد ورد من نلد
فیه و جبه الخیر و رد الصدوق فی ثواب الاعمال الی اخر الحدیث و نجاشی و کتبی هم که از فدهاء علماء و رجال
اهل علم و محارر ایشانند نیز روایت زیارت آن بزرگوار و ذکر فرموده اند و مرحوم شیخ بهائی نیز از ایشان
نقل کرده است و مرحوم میرزا محمد اسرار آبادی در کتاب منهل المقال ان روایتی است منسند بحدیث زیاده و نقصان
ذکر کرده است و علامه علی الله مقامه فرموده است ان زیارت کز باره الحسین خلاصه صحت و این بزرگوار
اظهر من الشمس انشاء الله تعالی در تعداد احوال علماء سابقین و سابقین از انچه در حق حضرت عبدالعظیم
منقول و مذکور در کتاب است اصبط از انچه نقل شده معلوم خواهد کرد بدین سزاوار است که بشرح حدیث بزرگوار
بپردازیم که زیاده از این مشفق خاصان تحصیل حاصل است اما از انقا سرفه سبب ایشان لازم در شرح
حدیث ثانی **الحديث الثاني** فی زیاره عبد العظیم بن عبد الله الحسینی مخفی نماید آن زمانیکه دلیلی حساسی
شد و جمع احوال و اخبار حضرت عبدالعظیم از جماعتی علماء معاصرین و اهل تتبع و فضل منبشیدم
که میفرمودند از حضرت علی بن موسی الرضا روایتی دیده ایم که خیر داده است زیارت حضرت عبدالعظیم و ثواب
آنرا و لیکن از هر یک سند و ماخذی میخواستیم در نظر داشتیم یعنی از خاطر شریف ایشان ماخذان
معمول بود در این اوقات که دلیلی مشغول بودم کتاب و وضو ایجات که مؤلفان عالم مجرب معاصر
آقا میرزا محمد باقر خلیف و شید سلیمان میرزا بن العابدین خوانساری است اندر السلطنه اصفهان
بطهران آوردند الحق در این زمان این کتاب را یعنی عظمی باقم چون و مشخص شرح احوال رجال از متکلمین و
تابعین اهل بدیع عصمت بود برای اطلاع از احوال حضرت عبدالعظیم در بابین مختصر کرده نقلی از احوال
و شرحی از احوال آن بزرگوار باقم و این روایت هم از آن کتاب بقاوسنی ترجمه کرده می نویسیم شهید ثانی علیه
الرحمه فرمود در نقلی که بر خلاصه علامه علی الله مقامه نوشته است عبد العظیم هذا هو عبد العظیم المدفون
بمسجد الشجره و قبره بزار و قد نص علی زیارته الامام علی بن موسی الرضا قال من زار قبره و جبه له علی الله
الجنة و قد ذکره بعض النسابین یعنی ابن بزرگوار که موسوس عبد العظیم است مدفون در مسجد شجره است
و قبرش را زیارت میکنند تحقیق زیارت وی حضرت رضاه نصب کرده است یعنی فرموده است کسی که زیارت
کند او را واجب میشود از برای او بهشت و مؤید صحت این حدیث شریف همان فرمایشی است که مرحوم میرزا
در کتاب و اشع فرموده است و قد ورد من زار قبره و جبه له الجنة و مرحوم شهید در اخر حدیث فرمودند
این قولی است جمعی از علماء اشنا ب ذکر کرده اند و روایتی نیز بطرز و بیان دیگر از حضرت علی بن موسی الرضا
در السنه و افواه مشهور است که مختصر از آنرا می نویسیم که اجتناب فرموده اند هر کس قدر زیارت بزرگوار

زیارت

کتاب و کتابخانه
عبد العظیم بن عبد الله الحسینی

شرح و تحریک

اعمال عمومی و در عمل زیارت خصوصاً ایمان کامل است که اصل اصل و اساس است و معنی صحیح
و حقیقت ایمان و لا اله الا الله و محمد رسول الله و غیره ظاهر من مکرر بین ایشانست و حقیقت و لا اله الا الله باقیه آخرت است
مثلاً اینکه حضرت امیر فرمود من نماز مؤمنین هشتاد و دو اوصاف نماز کامل از ایشان ظاهر شد و آن ذات مقدسه
با این صفات قدسیه اوصاف یافت کویا با نماز محمد شد پس معنی زیارت حضور زائر است در نزد من و تلقیه
بالباطن مخصوص این جانشین است نیز که جسدات امارت آن و لا اله الا الله است که این جسد از نده دارد و این
زندگی پابنده است قانی ندارد و از اوصاف جنبه نعیم است که دار البقا نام او است پس زائر هر قدر مقام و لایق
بیشتر تکمیل نمود و مرشد ایمان را از یاد نبرد داد جنبه موعود که حقیقت ایمان و لا اله الا الله است نزد بکر میشود بلکه
حقیقتش همان بهشت است که معلوف لذات معنوی بوده باشد و آن موجب جنبه جسدانیت و تفکیک در
و جسد سوخته و معنی پانین بیان روشن محالاً **اختر اصل الا خلاص** بدان شهو بین علما
است که چند نفرند که زیارتشان از امامت ارکان مخصوص خلصه و از است اما زیارت نام مخصوص منقول
نیست یعنی امام تقوی است این نام را در زیارت ایشان بخوانند مانند زیارت انبیا که هر طایفه از اهل اسلام
زیارت نامها از خودشان تا الفکر نمایند و بما آموخته اند هرگاه زائرین زیارت ایشان بعضی از خطایات و لغات
که مشتمل بر تعظیم و تکریم هر یک میشود چنانکه خدمت را قلم مکررین میباشند و معجزات در انجام میجویند
چنانکه زیارت ایشان را مقوی بکرا میاز دهند و زیارت ایشانست حتی از آخرت اینک از اصحاب نبی و ائمه مثل
جعفر در مودت و سلمان و ابی ذر و مقداد و حذیفه و جابر بن عبد الله انصاری رضوان الله علیهم میباشد با پیشتر
از آنکه نسبت ایشان جفا داده عصمت ظاهر و کرامت با صدقه ظاهر علیها سلام الله علیها است و کلامی که
در ادب خول و از دست همان خوب که زوار در اسبندان را قلم مکررین میباشند و دعا می اندازند یا جواز است در زیارت امامت
معمول دارند بانه بعد از آنکه زیارت ما ثور باشد البته این آداب هم از ایشان ترسید است بجز در آخرت و این است
که حضرت رضوان امر زیارت حضرت فاطمه معصومه فرموده است هر کس عجلت طلب شاه در کتاب تحفه الزائر فرموده
چون نیز در غیر حضرت شریقی نزدیک بالای سر و بقبله باشد و می چوید هم بر سر الله کبر و می سر بر سر سجده الله
و سر بر سر الحمد لله بگویند این زیارت را بخوان و بعد از نقل زیارت فرموده محمل است زیارتان همه قول امام
باشد و دعای هم عرض میباشد که ظاهر این شیخ خواندن هم در بالای سر جز حدیث سعدا شری نبوده است
ان قدره جزء حدیث است تا چار منضم این زیارت منقول خواهد بود و الا فلا و اگر طور ایشانست و شیخ
در خدمت حضرت معصومه صحیح بوده باشد در خدمت حضرت عبد العظیم نیز جایز است زیرا اشعیا و فاس و غیر
حیث نظر مخصوص بکبر بر حسب امر بعیظم اولاد است برای اینست با همه طایفه و لازم است ملاحظه و فضل
نکند و ثواب زیارت شیخان منقول با تقدیم شیخ بجمیع در این مورد معلوم و واضح است بقصد بعیظم این
قبر شریف نیست اصحاب این روش مطهره ضرر ندارد از آن بخواند و ان شیخا طمخولک و اجر عتقک

فصل
در بیان زیارت
حضرت امیر
علیه السلام
و سایر ائمه
علیهم السلام
که در کتاب
تحفه الزائر
مورد ذکر است

جواب سوال کاش

کتاب زیارت حضرت عبدالعظیم

ع ۱۴

اکنون عرض میکنم که چند نفر از ائمه ظاهرین که زیارت ایشان منصوب است بر این خصوص ایشان با
 نامه رسیده است اول حمزه بن عبدالمطلب که سید الشهداء و مدفون در احد است از ائمه ظاهرین است
 که نزد قبر حمزه می ایستد و میگوید یا رسول الله و خیر الشهداء التلم عليك يا اسد الله
 واسد سوله اشهد انك قد جاهدت في الله ونصحت لرسول الله و جد بنفسك و طلبت ما عند الله و رغبت ما
 عند الله و رغبت فيما وعد الله و بعد از نماز خور و بر روی فریبند از و این صلوات را بخواند تا آخر حدیث که در
 کتاب مخفی الزائر است و در حضرت ابو الفضل عباس بن امیر المؤمنین است که در کربلا شهید شد و در کربلا
 حاضر بود مدفون کرد و زیارت مخصوص از ائمه ظاهرین در حق آن جناب مردی است از جمله ابوجزه ثمالی از حضرت
 صادق روایت کرده که فرمودند چون خواهی زیارت کنی حضرت عباس را و آن کار فراتر است محاذی جائز است
 بر در و وضو بگو سلام الله و سلام ملائکه المقربین و انبیاء المرسلین و عباد الصالحین و جمیع
 الشهداء من الصدیقین الزاکرات الطیبات فاما عند روح عليك يا ابن امير المؤمنين اني افرز زيارت که در کتاب
 مزار و کتاب مخفی الزائر است زیارت دیگر بعد از دخول روضه است که اولان السلام عليك ايها العبد
 الصالح المطيع لله و لرسوله و لامير المؤمنين و الحسن و الحسين صلي الله عليهم و السلام عليك و رحمة الله و بركاته
 و مغفرته و رضوانه و على روحك و بدنك الى اخر الزياره و زیارت شایع نیز در شیخ مفید جامع از علما
 فدا ذکر فرموده اند زیارت دیگر هست جوع بکنب مزار باید نمود ستم حضرت علی بن الحسین علی اکبر است
 که در پانین پای فریبند بزرگوارش مدفونست در روضه عاشورا بظلم شهید شد و آن بزرگوار نیز زیارت
 مخصوص دارد از جمله در زیارت جامعه ششم است که حضرت صادق بسوسف کتاسی فرمودند بعد از زیارت خامس
 العبا عليك الف الف التحية و الشاء بر و نردك سر علي بن الحسين و بگو سلام الله و سلام ملائكة المقربين و انبياء المرسلين
 عليك يا موسى و ابن مولاي و رحمة الله و بركاته صلي الله عليك و على اهل بيتك و عنق اياك الاجار و الابار
 الذين اذبح الله عنهم الرجس طهرهم نظهرهم و زیارت مخصوص دیگر از برای ایشان روایت شده است و غیر
 این سه نفر در حق اولاد و احفاد ظاهرین زیارتی وارد نشده است بلکه در مصباح کفعمی است زیارت مسلم بن
 و حنین نیز در باحی و هان بن عروه زیارت مخصوص حضرت عباس خوانده شود و زیارت های چند از برای عموم شهلا
 که بیلا وارد است که بعضی را امام باسما هم خوانده است و بعضی را جمعا علم فرموده است و در بعضی از زیارت
 للرافعین نفر از ایشان یاد فرموده است و در مزار کتاب مخفی زیارتی از برای نوابا و بعد از خودشان
 شده است از ائمه صلوات الله عليهم و همچنین است زیارت و جبار است که از برای هر کس مسلمانان بطیر عموم
 مردیست پس بنا بر این بیان زیارت منصور ششم است اول زیارت حضرت خنی مآب و صدیق طاهر
 و ائمه ظاهرین سلام الله عليهم اجمعین است و حمزه سید الشهداء سوم حضرت علی بن الحسین و حضرت ابو الفضل
 چهارم شهلا که برای عموم اموات ششم چند نفر از امامان در کان زیارت کردن ایشان مردیست اما

رضایان غدا است
 کتاب مخفی الزائر
 زیارت حضرت عباس

و زیارت اول افضل
 عليك السلام است

کتاب مخفی الزائر
 زیارت حضرت عباس

روح و روحان

۱۷

زبارت خواندن بنحو مخصوص غیر مردیست حال زائر هر زبانی که دلش بظلم میکند غیر از یاد رفتن و
 البته بر مردان این چهار طایفه بخواند صحیح است مگر الفاظی که دلالت بر خصوصیت ایشان میکند از جمیع
 شهادت و غیره پس از شرح مقدمه که عنوان شد خوبست اما از کجا بکنند در زبانتان بگویند و اینست
 است اشاره غایب اول حضرت معصوم مدفون در زمین بابلان قم است که حضرت رضایم بنا بر روایت از بحار
 بعد از شری فرمودند هر کس وی از بارت و حق وی را بشناسد هفت ازان او است و این حدیث کمال دلالت
 دارد که حضرت رضایم بعد از حضرت فاطمه در خراسان شهید شدند و آنچه مشهور است در اینکه حضرت معصوم
 در مشهد علی بن موسی را داشت اصلی ندارد و شهادت حضرت رضایم در سال ۴۰ و بیست و دو یا سه از هجرت
 بوده است و چند حدیثی که در مدح او مندرج است نیز از آنست که در سیدنا فاطمه معصومه امیرا امام مدح فرمود
 است و در قاسم بن موسی بن جعفر است و مرحوم مجلسی طاب ثراه فرموده اند از امام زادگان مشهور قاسم فرزند
 امام موسی است که در حوالی نجف اشرف مدفونست و قبرش معروفست و مرحوم سید بن طاووس نیز عیبه زبانی
 فرمود است و مرحوم بحر العلوم سید مهنا الحسنی الحسینی الطباطبائی در کتاب رجال در باب فاطمه و در حواله قاسم
 موسی نوشته اند که آن بجهت ابوه جانشین او داخله فی صحابه یعنی پدش امام موسی فرزند قاسم را بسیار
 دوست داشت که وی را داخل در صحابای خود کرد و در آن کتاب مریدان و جویان حضرت اسمعیل امام موسی
 بقاسم فرمودند بجز تریبک سر به دلرت شو و الصافات بخوان تا تمام کنی چون برخواست خواند و در سینه
 با پزایه مبارکه ام استقلذ ان خلفنا اسمعیل و فانت کرد چو ری با در با بوث گذار دند و بیرون آوردند چنان
 و بعضی بن جعفر عرض کرد که بن ما رسم است که در تریبیت سوره پس بچوا تمیم و شافرم و پدید شو و الصافات
 خوانند فرمودند ای پسر که من سوره و الصافات تریبیت هیچ مکر و بجز از موت خوانده نمیشو مگر آنکه خداوند تعالی بد
 راضی میکند و در آن کتابست که سید بن طاووس طاب ثراه از زبانت قاسم بن موسی در مصیبات الزائر خبر داد است
 و زبانت او را مغان باز بارت عباس بن علی بن الحسین مفضل تظیف نموده است و بجز اینست
 القاسم بن کاظم الذی ذکره السید فیه فریب من الفری و اهل نجف فکر بلا هر سال شد حال میکند و زبانت
 قاسم از علماء و غیرهم بسیار مشرف میشوند در فناء الله زبانه افشا ما لله و حدیثی ایضا در کتاب رجال مذکور
 است و راست که دلالت بر جلالت قاسم میکند و آن روایتی عاره است که حضرت ابابراهیم موسی بن جعفر
 فرمودند ای اباعاره من از من خودم بیرون آمدم پس دستم کردم بپیرم حضرت رضایم با طنا و ظاهر این
 پیرم را با وی شریک نمودم و لیکن فرزندم منقر است باطنی الکرام بدست من بود هر سینه در فرزندم قاسم
 قرار میدادم اما گفت ای اباه و دانی علی بن علی یعنی حضرت موسی که با وی دارم و لیکن این امر با خدا است
 و در محله که میداند فرار میدهد و حضرت رسول نیز فرمودند که امر و کانت و اما گفت باقر زنده علی است پس
 و وی گفت که امر و کانت عیبت است اسمعیل است و لا خدمت حضرت موسی بن جعفر بوده است پس امر را اسمعیل

ابان که در کتب
 کتب کتب کتب

ابان که در کتب
 کتب کتب کتب

فضل ابان
 علی بن ابی طالب

کتابت حضرت عبدالعظیم

۴۱۸

نداد و این حدیث اگر چه بر جلالت و بزرگواری فاسم بن موسی دلالت دارد ولیکن از جهات دیگر در کمال غرابت
 است و چون علی بن جعفر است که میرزای سزایادی در رجال و سبط فرموده و کان علی بن جعفر را و پدر الحدیث سبطی
 شد بالورع کثیر الفضل و ملازم خدمت مادرش موسی بن جعفر بوده است و او کتاب مناسک است و مسأله
 که سوال نموده است از پدر و برادرش جمع کرده است و وضع احترام کردن علی بن جعفر حضرت جواد و حکایت
 فضل کردن با آن بزرگوار در تمام کتب رجال در ذیل احوال خبر ما لیس مذکور است و مسکن وی در عرقین است
 عین از نواحی مدینه است و اولادش معروف بنیسل العرقین اند و عربی منسوب بآن مود است اما در مدینه و
 خلافت است جمیع کتب نشان در همان است آثار و بقعه دارد و بر خنجر غالبشان در بلده قم است بنا بر خطو
 که بر سطح آن فرار نوشته است که با محمد بن موسی مدفونست و محمد بن موسی برادر حضرت رضاء است و سپید شریف
 نسایب احد بن علی بن حسین الحنفی در کتاب عمده الطالبی که در انساب اهل ابطال مصنف شده است نقل است محمد بن
 موسی بواسطه کثرت عبادت و صوم و صلوة حضرت موسی بن جعفر علیها السلام او را لقب عابد داد مانند علی عابد که
 فرزند حسن مثلث و پد حسین شهید در قم است و شیخ مفید طاب ثراه در کتاب ارشاد هم او را یاد فرموده است
 عجیب است و کتب رجال مدفن علی بن جعفر را شرح نکرده اند و از این جهت روایت مخصوصی در زیارتش نیست آنچه
 مشهور است زیارتش از امام ۳ و داعی ناکه بن نصی در زیارت علی بن جعفر ندیده ام اگر چه جلالت قدر ایشان از
 اولاد ائمه طاهرین کمتر نیست و بطریق تحقیق از بعضی اوریع و از هدا و انقی بوده است و آنچه مذکور شد بنا بر
 مشهور بود چهارم حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحنفی است و این بزرگوار بنا بر دور و اینست که شرح دادیم
 معلوم شد که صحیحاً امام ۳ فرموده او را در زیارت نماید اما از زیارت نامه مخصوصی مانند فاطمه معصومه
 ندارد ولیکن همین زیارتی که علمای اهل بیت کرده اند و در زیارت نامه ها نوشته اند و سالها خواص و عوام
 میخوانند صحیح است و کمال تعظیم و تکریم در آنها شده است و خوبست هر او را بخوانند و این گناه کارش است
 از زیارات ائمه طاهرین و عبارات علماء عاملین نیز در زیارت تالیف و ترکیب کرده و آنچه شایسته زیارت این
 بزرگوار بوده در این دو زیارت نامه یاد کرد یکی زیارت مبسوط که مشتمل بر فضائل و خصائل است این
 زیارت است و یکی زیارت مختصری است در کمال سهولت و آسانی برای کسانی که مجال توقف زیاد در حرم محرم
 از سبقت معظم ندارند و بسلام و تحفه مختصری فضاغت بنمایند شاید از توجه زائر سوخته دل و افسرده خاطر
 خداوند گهرم رحیم از خطای این بنده شرمنده بگذرد و بواسطه رحمتی که در جمیع حالات حضرت عبدالعظیم
 کشیده ام رحمتی شایسته حال داعی شود و خوبست زیارت مختصر را مقدم بدارم بسم الله الرحمن الرحیم
 سلام من الله السّلام علی ادم صقیبه و علی نوح نجیه و علی ابراهیم جلیله و علی اسمعیل دبیحه و علی
 موسی کلیم و علی عیسی روحیه و علی محمد حبیب و علی علی ولیه و علی الحسن ذلیله و علی الحسین
 نبیه و علی علی سجاده و علی محمد باقر علیه و علی جعفر صادق و علی موسی کاظم علیه و علی علی

و این حدیث را
 در کتاب مناسک
 آورده است

این حدیث را
 در کتاب ارشاد
 آورده است

این حدیث را
 در کتاب ارشاد
 آورده است

در آداب زيارت

۴۲۰

مولى الانام و فديت حرمك و لذت كرمك فكر الى الله شافعاً و عن الذنوب نازعاً فان لك عند الله منزلة
 جليلة و كرامته جزيلة و ادخلني في زمرة ذاك عند ربك من ذاك ربك و فدا تكلمت على شفاعتك و
 توسلت بموالائك و استل الله بك عقران الذنوب و رجوت الله لن يارك ستر العيوب كان يارك
 كزبارت عمك الشهيد و من شهد مشهدك ادرك ثوابه من بعد و انما يستبد و سبلى و ذر يعنى الى
 من الولاية فاستشفع عندهم حتى يشغفوا الي عند ربك و يسئلوا اليه الجاوز عن جرمي اللهم صل على
 محمد و آل محمد و اغفر لي و لوالدي و لاخواني و اخواني و اعمامى و عمتان و اخواني و خالانى و اجدادى و جدان
 و اولادهم و ذرارهم و ازواجى و ذريانى و اقربان و اصديقان و جيران و اخوانيك من اهل الشرف و
 الغرب و جميع اهل مودت من المؤمنين و المؤمنات و الاحياء منهم و الاموات و لجمع من علمنى خيرا و علم
 منى علماء اللهم اشركم في صالح دعائى و ذيارتك شهد هذا السيد الكريم برحمك يا ارحم الراحمين
سورة و ريجان الخامس عشر در آداب زيارت و خطاب فوراً مظهرين سلام الله عليهم
 چه خوشتر است در عنوان اين دوخ و ريجان خوانندگان هر امرى نمائند شرح مرادى مى گفتم تا اينكه در اين
 فوائد كثره است **فان حسن** عمو سيندگان بنامند كه حضرت شاه ولايت فرمودند ليس اليتيم الذي
 مات والد ان اليتيم يقيم العلم و الادب ليس الجبال بانواب مرتبتها ان الجبال جمال العلم و الادب و معنى
 ادب بحسن اخلاق و تهذيب افعال است بخوبى كه ظاهرش عنوان باطن و باطنش موافق با ظاهر بوده باشد
 يعنى چنانكه نمايد باشد و چنانكه باشد نمايد اما اعضا و جوارحش بزينة اعمال صالحه مرتين شو و اما
 قلبش چنانكه اذكار مخلصي گردد و اول مرتبه ادب برك نفاست چنانكه حق تعالي در معنى نفاق فرموده است **فولون**
يا فواهم ما ليس في قلوبهم و اهل كمال كه اندر كس در مراتب ادب نماند كه در مرتبه نبوت و محرم است و معاني
 ميشود جريان فراغت يعنى اجابت از وي قوت ميگردد و هر آنكه واجبه و فراغت از وي قوت شدن معرفت
 محرم خواهد شد و حضرت شاه ولايت فرمودند **فيا عباد الله** عليكم حبلى لادب و محسن ادب انما محبته
 است هر كس او بشنيدن پادشاهش فرزندش است و علامه ادب با حق چند چيز است اول آنست نظرش در
 امور با خدا باشد و غير از خدا و نه بنده كه عليه الله و مع ما سواد و هم عجز و ذلت و خاكساري و عيوب
 خودش را فراموش نكند حكايه محمود غزنوي پادشاه و پوستان در السنه قاس مشهور است **فانك و فنى** كه گفته
 آقاى خوش را فراموش نكند و غافل از عجز و فوضو خود شداغى ميشود ان الانسان ليطغى ان رآه استغنى مثل
 فرغ و كه چگونه شرك او بگردد و هذا لو هبت كبر يد ستوم و فنى كه كلام حق را بر او بخواند در مقام اطلعت
 او مرد نوامى آن بر آيد بشو و ظامرو باطلا كما قال الله تعالى **واقرئ القرآن** فاستمعوا له وانصتوا لعلكم
 ترحمون چهارم مراعات در سؤالات و خطابات با پرده كار خودش نمايد چنانكه حضرت علي مرتضى عليه السلام
 ان تخلفتم قلوبكم عبادك و ان تغفروهم فانك تغفروهم و رجم يعنى در مقام ادب عرض نمائند كه ترا عذر اينك

در آداب زيارت
 و خطاب فوراً
 مظهرين سلام
 الله عليهم
 و عطف
 كرامت

در آداب زيارت
 و خطاب فوراً
 مظهرين سلام
 الله عليهم
 و عطف
 كرامت

رُوحِ رَجَائِزِ

بلکه عرض نماید که غدا بعلت ایشان را بندهگان توانند و اگر پارسای ایشان را فراموشند و مهربانی و حقیقت
 او بر حضرت ختمی است که در لیلۃ الاسری عرض می نماید من الرسول بالتمیز الیک من تبرائی اخره خلاصه
 لطلاع از معنی لیب عرض میکنم او بر که مصطلح عربی عامه ناس است آنست که کوچک و بزرگه محض شخص بزرگ کند
 ملوک و حکماء و علماء شریفان میشود و نواضع خستوع و خاکسار و احوال و افعال وی بوده باشد و
 علماء کابها در این خصوص نوشته اند و معنی نواضع نه همان در اعضا و جوارح ظاهر است بلکه در حسب سر
 و ملکات باطنیه هم باید چنین باشد و تمام این اقباس از ادب کردن بحضور ملکان لالول حضرت شایسته است
 و حضرت ختمی مآب و مئی شخصی را دید یک نماز میکرد و لیکن بارش خود بازی می نمود فرمودند که نواضع
 قلبه خشعت خواریه یعنی اگر در لیس نواضع بود اعضا و جوارحش نیز نواضع بود و وضع ادب اینها و ادبها
 و اولیاء و ائمه هدی با النسب بحال می باشد که در اوقات صلوات و تلاوتها و نمازها و ذکرها و قیامت چه
 بخورده است و این جهت وضع اخلاق و صفات ایشان و کالبت آداب حسنه با خلق هم بخوبی بوده است که احد
 را قدرش بر همه بزرگان آنها نیست پس خوب است این امر هر چه بقدر مقدور و میسر و از آنچه با ایشان کردند
 و مراعات فرمودند و ادب با او شد تلبیل از آن ادب در حضور و نبودشان منظور دارند از آنکه حرم ایشان
 حرم خداوند است که الحرم حرم ملک و الضیف ضیفک ترک ملک و در زیارت امام است که عرض می نماید و گفتند
 نازک بعفرتک عاننا بعفوک فارحم غریبه و اقل غریبه و اقل غریبه یعنی بیایند خانه کعبه محرم شد برای آنست که
 خداوند او را برگزید و نسبت بخود داد و اینگونه احترامات از شرح اقدس برای او رسیده است ظاهر است
 اولی برگزیدگان حقانند و احترام ادب مان حضور ایشان لازم است از آنچه بعضی را ادب نمی فرمودند و حسب
 حکمت و مصلحت که بوضع منکر اند و جامه ملوکانه حضور می نمایند چنانکه جناب سید الشهداء در راه گو
 بیست الله بر چه جعفری در جرم سبط است فرمودند و خداوند تعالی در احرام بر پیغمبر مشرک و استبدون
 از روی داخل خانه اش نشوید و طهارت خود را از او بر او روی بلند کنید و از روی خشم نکران نشوید و همین احکام
 در عمارت ایشان هم جاریست از آنکه جناب و عمارت نبوی و در حسب عین شیعیه علی التوفیق است و ایند و
 نیز هم مادامیکه بوند متحد بودند و از این جهت حرم خود میسوزند و در راه مخلص علیها الرحمن و از آنکه
 حضرت رسول را در زیارت قبول فرمایند ظاهر است که ذکر و تکرار دعا و دعا در کتاب تراث الجنبه شرح
 داده ام از غسل کردن و اذن دخول و استن و محاربت غیر ایشان و تقبیل و تعظیم و توبه ایشان و
 و سینه بچشم حرم بی تمام الحور از ایشان و صدقه بجا بیج و نفر دادن و زیارات ماوراء خواندن
 با قدری زیارت که هر و ادب نماز زیارت کردن و اظهار در وقت نمودن و وداع خاص تلاوت کردن و در حوائج
 و حاجات خود را خواندن و استغفار از گناهات و معاصی نمودن تمام آنها از شرح اقدس رسیده است
 هر آنکه بجا آورد حق زیارت را اگر رسیده است پس هر قدر و فساد و عفویت در چنین خون

ایشان را
 در این کتاب
 ذکر کرده است
 در باب اول

در آداب و زیارت

۴۲۲

و هر چه مزحجه که میشود در عالم از ترک ادبش یا تشبیه بخدا و رسول و ائمه دین و علماء و مجتهدین حال
از جهه زیارت حضور نبی و اولیای او متنازل نمائیم ادبی که معموله بین غیر معصومین است که نیز از سر
شریف رسیده است باید ملاحظه کرد بکتاب حقوق خوان که بجهت نحو مواساة و مواخاة کنند بندگان خدا و
نحو رعایت از یکدیگر نمایند هر آنکه ترک حق از حقوق ایشان کرد بر او ادب کرده است هر چه شهادتانی کتاب
نوشته است و موثقه الزمیه از ادب التفتی للشفی کسی که طالب علم است خدمت استاد خود چه قسم باید و
بنشیند و نگاه کند و سؤال نماید و بشنود و مزاج نکند و احتجاج برایش ندارد و بگوشه چشم نکند نشود
همیشه احترام از معلم خود منظور دارد و مقدم بر وی راه رود بلکه تقدم بر مشایخ در راه رفتن مؤثر میشود
و چنین است احترام والدین که افلان اف تکفین برایشانست و فرزندان خودشان را در نزد پدران و مادران
سازند و همچنین است مراعات بر اهل ایمانی یکدیگر را بر حسب خیار بیکه تفقه المحدثین در او آخر کتاب مستطاب اصول
کلی بگرفته اند که تمام آن سی حق است در حال حیوة اما در زمان برادرش بر دو سوره قدر بخواند و نگه
بر فرزند بدهد تا عین قدم بر فرزند نگارد و هدیه ای برای او بفرستد و ترجمه استغفا کند و رختها را بر
واسد نماید که احترام متبها احترام خواست خصوص حضور و الوداد در روز و شب و بختیست
خواست در جوار ایشان خلاصه بر هر کلمه از این کلمات و مقالات اخبار و احادیثی است مستفیضه که داعی آشنا
موتاعوام النفات فرموده بدانند که زیارت کردن را ادبی است پس مسلمان منصف بکر بعد از اینکه در
تعظیم مردگان و مسلمانان و اهل ایمان از قدتها کبدا کبدا برسد البته کسانی را که ائمه طاهرین پسندند
و بر کتبه و فرموده اند احترام ایشان احترام ما است و زیارت ایشان نیز زیارت ما است بطریق اولی
است بر افراد و احاد ما بر تعظیم و تکریم کردن و حضور و قبول ایشان با ادب پسندیده شایسته آمدن که
زیارت کنندگان هر قدر احترام و اکرام از مزار ایشان نمایند احترام از قائم النبیین و اوصیای مرتضیین
وی کرده اند و زمان عرض اعمال دین بر محمد و آل محمد علیهم السلام از حسن زیارت دوستها و اظهار ارادت
بفرزندان ایشان البته سرور و مشغوف میشوند بالاتفاق و عداها خیر نمایند و فردای قیامت شفیع
ایشان باد در حق زائرین و مجاورین و مخلصین و محبتین قبول مینمایند و زائرین قبول ایشان را در جوار
مرحمت و عنایت خودشان جامد هند پس بیکه از خانه ها که حضرت عالی فرموده است فی بیوتان الله
ان ترفع و یذکر فیها اسمی ربیع فیها بالغدق و الاصال در خطه طهران و حد در که خداوند داد صبا
و مشایخ می نمایند و اسم حضرت را بخلیل کرده یاد مینمایند بفرقه مبارکه حضرت عبدالعظیم علیه السلام
و التکریم است با اهل این بلد بر این نغمه صبا هات نمایند و مفاخرت کنند بر بلدان دیگر بشرط آنکه حق
ان بزرگوار را اداء نمایند و از زیارتشان مرقد شریف منابت یاد حسنه و مخلوق با اخلاق مدوحه شوند
و آنچه عجاایه تکلیف داعی است در این اوراق مینویسد بعقل قاصر خود فهمیده و مستحق میدانده کونه

از امامزاده کان

در آداب و زیارت
 از امامزاده کان
 در آداب و زیارت
 از امامزاده کان

مردمان

سوره حجرات

سوره ۴۹

اولاً هر کس که در آن طهارت هر صبح و شنبه یا پنجشنبه یا جمعه بعد از اداء وضو و فراغت از تعقیبات و توبه
 بابت خالصه از خانه و منزل خود نهفت در کت نماید بدو نصدقه ای ملاحظه نشسته با نفس بهمان وضعی که
 بجز در آن دین میرود با کمال ادب و نهایت خشوع آنکه سپارد است حسب عادت آثار انگار و نواضع باید
 در دو پیشتر است خوشتر است بعد از رسیدن بصر شریف قدری توقف نماید و رفع خسته کند که کند تا حال
 دعا و وقت و بکار باشد حاصل شود و اگر سواره است البته خود را بر پیادگان تفضل و ترجیح ندهد این سوره
 را سبب توفیق در وصول خوض و زود باندن آنکه بر مرکب صدمه نشود و خوشتر صدقه بپند و نواضع است
 که در زمان شرفی آن سینه لازم انتعیه حالت زیارت و توجه نداشته باشد و این حالت جمعی از ذال و با
 و او پیش باید است با کسیکه بطریق عاریه مرکب در و این مردمان بخوانند و خود مرکب مالک آنرا اطمینان
 بعد از وضو و در دور حایان روضه مبارکه خوبین نفعند از مرکب خود نماید و علوفه برای و مهاب
 سازد خصوصاً ایدم توقفی اگر طول کشد مراعات وی لازم است اگر بخواند این سوره خوبین نفعند
 زمان وقتش و اگر بماند زمانی بمد علوفه اش را بر حسب شرط بدهد الا فلا و بهتر است خود مباحث شود
 در ساندن علوفه آن جوان و الا ارجاع بشخص امین کفایت است و ثابتر بقوی طریق را ملاحظه نماید که
 آیا طبیعت وی بر خیر میولسد یا بر شر البته با اخبار مضاجب شود وی را منکر برورد کار میشود و یا اثر صحبت
 ندارد جز رضایت شیطان و استمالناز نفس و سوظن چیزی دیگر عاید نمیشود و خوشتر است در راه از احوال آن
 سید و اهل العظیم بسپای بگوید و بشنود و بیاید بیاید و در نا و فعی در دلش پیدا شود باز باده کرد که زمان خوض
 روضه اش فواید کثیره می بیند مانند کسیکه بحضرت سلطان مقتدر میرود چگونه منوخر و منکر است حالت
 زائر چه چنین است اگر مصاحبین و همراهی بکنند و بلفوکون و هر نه سرانی در آیند و غیب کردن
 اهل اسلام را شعار خود نمایند البته هجرت و مباحث از ایشان اولی و انساب است معرفت در نرسوا
 که راه را باید تمام کرد هر چه باشد از خرافات و منخرافات ذکر حالات و معایب مخلوق دیگر بنده است آنچه
 حواله است خصاص بجز ندارد در سفر هم محترمانه محققاً بل آنچه در سفر شناسانند علماء و شعرا است
 و از صحبت شاعر و ساحر و مجرم در کتاب امان الاخطار مرحوم سید بن طاووس نیز نوی فرموده است انشا
 خود را برای غیبه این عبادت و تکمیل زیارت نظیف کند و اگر روز جمعه است البته غسل جمعه را ترک ننماید
 هر قدر بزرگوارتر بگذرد باشد بهتر است خوبین عذائی که صوفیها پندندند ملاحظه کند و اسرار آن تمام
 ناموجب کمال شود و زحمتهای خود را بدهد و اگر بخواند بعد از نعت مختصر خواب ببلو کند
 مستحب است نافع خسته هم شده باشد بعد از آن غسل کند و استماع عطر با هم عموماً استجاب دارد
 خصوص پیش از اداء فرائض که بگرکت با استعمال بخوشتر با بخت دارد که بنویسد اگر ممکن شود
 صدقه فقرا دهد نیز قبل از وضو بگرکت هفتاد رکعت نوشته میشود اعطای صدقات و هجرت

سوره حجرات
 در روزهای
 پنجشنبه و شنبه
 و جمعه
 و روزهای
 عید و روزهای
 شرفی آن
 بسیار نافع است